

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

بررسی تطبیقی اشعار اخلاقی ابوالعلاء معری و ناصر خسرو

:

شهلا جعفری

:

:



بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تطبیقی اشعار اخلاقی ابوالعلاء معری و ناصر خسرو

:

شهلا جعفری

زبان و ادبیات عربی

:

دکتر سید ابوالفضل سجادی (استاد راهنما)..... استادیار

دکتر قاسم مختاری (استاد مشاور)..... دانشیار

دکتر ابراهیم اناری بزچلویی (داور داخلی)..... استادیار

شهریور ماه ۱۳۹۰

تقدیم

به یکتای مهربانم

که با حمایت های بی دریغ و محبت های غیرقابل وصف خویش، در این راه پرفراز و نشیب، یاری بخشتم بود. امید آن دارم که
کیمیای نگاه خود را از من حقیقت دریغ مدارد و عطش اندیشه ام را از چشمه ی زلال اخلاق نیکو، سیراب سازد و مراد زمره ی
منادیان مبارزه با جهل بشری قرار دهد تا کوه جان انسانی خویش را در بطن زار غرور و خودستایی، تباہ نکرده ام؛ پرتویی از نور
حقیقت و بارقه ای از فروغ صداقت را بر زاویه های تاریک روحم پیشنهاد تا از طلسم کده ی تیره و تاریک پرستی، رهایی یابم و ویرانه ی
دل را با نام و یاد بی همتای او، آباد سازم و در سایه سار آثار عملیات الهی، زخار از آئینه ی دل بزدایم.

تقدیر و سپاس

سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستی ما را بخشید و از طریق علم و دانش، را نمودمان شد و به ہمیشگی رهروان علم و دانش، مفتخرمان نمود و خوشه چینی از خرمین علم و معرفت را روزی ما ساخت.

اکنون در آستازی راهی نو، بر پاس نعمت بی حد پروردگار، بر خود لازم می دانم از استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر سید ابوالفضل سجادی که مراد مراحل مختلف این پایان نامه را بهمانی نمودند و هم چنین از استاد مشاور گرانقدر، جناب آقای دکتر قاسم مختاری و کلیه می اساتید گروه زبان و ادبیات عربی، کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم.

چکیده

جستارهای فکری و تراوش اندیشه‌های انسان‌ها در هر جامعه و سرزمین را، می‌توان ادبیات نام نهاد و آن را با ادبیات سایر ملت‌ها، تطبیق داد. بنابراین ادبیات تطبیقی، رابطه‌ی ادبیات ملت‌های گوناگون در دوره‌های مختلف تاریخی را در موضوع‌هایی مانند انواع ادبی، مکتب‌ها، مسائل زیباشناختی ادبی و ... بررسی می‌کند. ادبیات یکی از بهترین زمینه‌ها برای طرح مفاهیم اخلاقی و موضوعات مربوط به آن می‌باشد و زبان شعر به‌ویژه در بیان مسائل اخلاقی، توانمندترین زبان‌هاست. بی‌شک سرزمین معره و اقلیم نام‌آور خراسان، بزرگ‌مردانی آزاده را پرورده که نام آن‌ها زینت‌بخش تاریخ شعر و ادب و اخلاق گشته‌است. در بین این بزرگان، سیمای ابوالعلاء معری و ناصر خسرو قبادیانی قابل مشاهده‌است که از پیشگامان شعر اخلاقی در ادبیات عربی و فارسی به‌شمار می‌روند. مضمون اشعار آن‌ها بیشتر پیرامون خدانشناسی، پرهیزگاری، عقل و خرد، بی‌وفایی دنیا، نیکی، دوری از حسد، کبر و غرور و ... می‌باشد. ویژگی‌های مشترک بسیاری در زندگی و اشعار آن‌ها یافت می‌شود، به‌طوری که این اندیشه را به اذهان متبادر می‌سازد که ناصر خسرو از ابوالعلاء، تأثیر پذیرفته است.

روح پژوهنده و عقل بیدار این دو شاعر، جاه و مقام را در خواسته‌های دنیوی نمی‌دید؛ آن‌ها که پیوسته بیرق صلح در دست داشتند، چونان آموزگاری دلسوز، همگان را به کردار نیکو و دوری از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی دعوت می‌نمودند. آرمان خویش را در کسب ارزش‌های اخلاقی و رسیدن به حقیقت می‌دیدند؛ آرمانی که ترکیبی از دین و خرد بود. در روزگاری که نفس دین به‌شماره افتاده بود و دین از جوهره‌ی اصلی خود خارج شده بود، آن‌ها خود را در گرداب پوشالی دنیا نینداخته، بلکه با تمسک به دین و ترسیم نقش دین و اخلاق در تربیت انسان‌ها، ادب عربی و فارسی را غنا بخشیدند و این‌گونه در زمینه‌ی ایفای ارزش‌های دینی و اخلاقی، خوش درخشیدند. چه‌بسا معری و قبادیانی خواستار وظیفه‌ای بالاتر برای مخاطبان خود بودند و آن رسیدن به کمال در پرتو اجرای ارزش‌های اخلاقی بوده است.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، مفاهیم اخلاقی، ابوالعلاء، ناصر خسرو

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	فرضیه‌های پژوهش
۱	هدف پژوهش
۲	پیشینه‌ی پژوهش
۲	روش پژوهش
	فصل اول: ادبیات تطبیقی
۴	۱-۱ تعریف ادبیات تطبیقی
۵	۲-۱ پیشینه‌ی پژوهش‌های تطبیقی
۶	۳-۱ ابزار پژوهش در ادبیات تطبیقی
۷	۴-۱ اهمیت پژوهش‌های تطبیقی
۹	۵-۱ ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی
۱۱	۶-۱ ادبیات تطبیقی در ایران
۱۲	۷-۱ تأثیر متقابل ادبیات عربی و فارسی
۱۳	۸-۱ مکتب‌های ادبیات تطبیقی
	فصل دوم: معرفی ابوالعلاء و ناصر خسرو
۱۶	۱-۲ معرفی ابوالعلاء

- ۱۶-۱-۲ زندگی ابوالعلاء ۱۶
- ۱۷-۱-۲ شخصیت ابوالعلاء ۱۷
- ۱۸-۱-۲ ابوالعلاء فیلسوف یا حکیم؟ ۱۸
- ۱۹-۱-۲ ابوالعلاء: شاعر منتقد ۱۹
- ۱۹-۲-۲ معرفی ناصر خسرو ۱۹
- ۱۹-۲-۲ زندگی ناصر خسرو ۱۹
- ۲۱-۲-۲ شخصیت ناصر خسرو ۲۱
- ۲۳-۲-۲ ناصر خسرو فیلسوف یا حکیم؟ ۲۳
- ۲۴-۲-۲ ناصر خسرو: شاعر منتقد ۲۴
- ۲۴-۳-۲ ابوالعلاء معری و ناصر خسرو قبادیانی ۲۴

فصل سوم: بررسی دین و منابع دینی در اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو

- ۲۸-۱-۳ دین و ادبیات ۲۸
- ۲۸-۱-۳ سیمای دین و اندیشه‌های دینی در اشعار ابوالعلاء ۲۸
- ۳۴-۱-۳ دین و عقل در اشعار ابوالعلاء ۳۴
- ۳۴-۱-۳ سیمای دین و اندیشه‌های دینی در اشعار ناصر خسرو ۳۴
- ۴۰-۱-۳ دین و عقل در اشعار ناصر خسرو ۴۰
- ۴۱-۱-۳ سیمای دین در گستره‌ی اشعار معری و قبادیانی ۴۱
- ۴۲-۱-۳ ابوالعلاء و ادیان دیگر ۴۲

- ۳-۱-۷ ناصر خسرو و ادیان دیگر ۴۴
- ۳-۱-۸ نگاهی کوتاه به فلسفه‌ی معری ۴۵
- ۳-۱-۹ نگاهی کوتاه به فلسفه‌ی قبادیانی ۴۶
- ۳-۱-۱۰ ادیان و فلسفه در گستره‌ی اشعار معری و قبادیانی ۴۸
- ۳-۲-۲ تأثیر منابع دینی در ادبیات عربی و فارسی ۴۸
- ۳-۲-۱ بازتاب قرآن در اشعار ابوالعلاء ۴۸
- ۳-۲-۲ بازتاب قرآن در اشعار ناصر خسرو ۵۰
- ۳-۲-۳ تأثیر نهج البلاغه در ادبیات عربی و فارسی ۵۱
- ۳-۲-۱-۳ بازتاب نهج البلاغه در اشعار معری ۵۱
- ۳-۲-۲-۳ بازتاب نهج البلاغه در اشعار قبادیانی ۵۲
- ۳-۲-۴ بازتاب احادیث در اشعار معری و قبادیانی ۵۳
- ۳-۲-۵ منابع دینی در گستره‌ی اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو ۵۵
- فصل چهارم: بازتاب مفاهیم اخلاقی در اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو
- ۴-۱-۱ مفاهیم اخلاقی ۵۸
- ۴-۱-۱-۱ مفاهیم اخلاقی در آینه‌ی اشعار معری ۵۸
- ۴-۱-۲ مفاهیم اخلاقی در آینه‌ی اشعار قبادیانی ۵۹
- ۴-۲ بررسی مفاهیم اخلاقی مشترک در اشعار معری و قبادیانی ۵۹
- ۴-۲-۱ توحید و خداشناسی ۵۹

۶۳ ۲-۲-۴ تقوا و پرهیزگاری
۶۷ ۳-۲-۴ دنیاگریزی
۷۵ ۴-۲-۴ دعوت به خردورزی
۸۳ ۵-۲-۴ قناعت
۸۵ ۶-۲-۴ احسان و نیکی
۸۹ ۷-۲-۴ صداقت و راستی
۹۲ ۸-۲-۴ صبر و شکیبایی
۹۵ ۹-۲-۴ سکوت و خاموشی
۹۶ ۱۰-۲-۴ پرهیز از شرابخواری
۱۰۲ ۱۱-۲-۴ پرهیز از حسد
۱۰۵ ۱۲-۲-۴ دوری از کبر و غرور
۱۰۹ نتیجه‌ی پژوهش
۱۱۱ الملخص
۱۱۲ خلاصة الأطروحة
۱۲۰ فهرست منابع

یکی از مسایل با اهمیت در جهان کنونی، مسأله‌ی اخلاق می‌باشد؛ چرا که اندیشمندان جهان در خلال ارزیابی تمام بحران‌های حاکم بر جوامع بشری دریافته‌اند که بسیاری از مشکلات امروز بشر، ریشه در فقدان معنویت و اخلاق دارد. آنچه بشر امروز، سخت، نیازمند آن است «ارزش‌های اخلاقی» می‌باشد. در جهان‌بینی اسلامی، اصول اخلاقی برخاسته از دستورات قرآن مجید، سنت پیامبران و بزرگان دین می‌باشد و وظایف فردی و اجتماعی انسان و رابطه‌ی او با خدا و خلق او در چارچوب برنامه‌هایی ارائه شده که به صورت احادیث از پیشوایان بزرگوار دین اسلام باقی مانده است. بسیاری از شاعران متعهد زبان عربی و فارسی، اندیشه‌ها و عواطف بشر دوستانه‌ی خویش را در قالب زبان شعر به تصویر کشیده‌اند که دقت و تفکر در آن‌ها، چشم‌انداز زیبایی را برای انسان فراهم می‌نماید. از جمله‌ی این شاعران، ابوالعلاء معری، شاعر پرآوازه‌ی ادب عربی و ناصر خسرو قبادیانی، شاعر توانای عرصه‌ی شعر فارسی، می‌باشند. دلیل انتخاب این موضوع جهت پژوهش، علاوه بر نزدیک‌بودن زمان هر دو شاعر نسبت به یکدیگر، اشتراک در طرح مضمون‌های اخلاقی و بنا به گفته‌ی برخی از پژوهشگران، تأثیرپذیری ناصر خسرو از ابوالعلاء در پاره‌ای از موضوع‌های شعری می‌باشد. از آنجایی که این دو از نخستین شاعرانی هستند که در مضمون‌های اخلاقی، فلسفی و مذهبی داد سخن داده‌اند و آغازگر راهی نو در گستره‌ی شعر و ادبیات عربی و فارسی می‌باشند و توجه به جنبه‌ی معنوی و روحی انسان که سرچشمه‌ی صفات نیکوی اخلاقی می‌باشد، نگارنده را بر آن داشت تا با کنکاش در مجموعه اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو و پیوند آن‌ها با سرچشمه‌ی کلام خداوند و سخنان بزرگان دین، مدینه‌ی فاضله‌ای را به تصویر بکشد تا مشتاقان عرصه‌ی علم و ادب از آن، توشه‌ها بگیرند. بنابراین در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی، بررسی مفاهیم اخلاقی در اشعار این دو شاعر فرزانه، شایان توجه است تا اشرف مخلوقات بتواند با عمل کردن به آن فضیلتها، از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی که عامل بدبختی و سقوط آدمی است، پرهیز نموده و گامی در جهت رشد و تعالی خود بردارد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر بیشتر بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی که شرط تطبیق را تنها جنبه‌ی تأثیر و تأثر نمی‌داند، نگاشته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

الف) مضمون‌های اخلاقی مشترکی در اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو به چشم می‌خورد.

ب) هر دو شاعر از منابع دینی در اشعار خویش بهره گرفته‌اند.

ج) به نظر می‌رسد ناصر خسرو قبادیانی از ابوالعلاء معری تأثیر پذیرفته باشد.

هدف پژوهش

این پژوهش بر آن است تا اشعار این دو شاعر را از دیدگاه مفاهیم اخلاقی بررسی نماید و وجوه تشابه و تمایزشان را در سبایه‌ی شناخت مفاهیم اخلاقی نمایان سازد و بدین جهت زمینه را برای آشنایی هر چه بیشتر مسلمانان با مضمون‌های اخلاقی و پیوند آن‌ها با سیره و رفتار نبوی، فراهم سازد.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی ابوالعلاء معری و ناصر خسرو قبادیانی، پژوهش‌هایی به‌طور جداگانه، به شکل پایان‌نامه و یا در قالب مقاله‌های علمی، پژوهشی صورت گرفته است؛ البته مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای دنیا در شعر ناصر خسرو و ابوالعلاء» به کوشش فضل‌الله میرقادری و منصوره غلامی در دانشگاه شیراز انجام شده است؛ اما تا کنون در زمینه‌ی مفاهیم اخلاقی این دو شاعر، مقایسه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین شایسته است در جهت آشناسازی علاقه‌مندان و مشتاقان عرصه‌ی ادب با ذخیره‌های ارزشمند مفاهیم اخلاقی در گستره‌ی ادب عربی و فارسی، گامی اساسی برداشته شود.

روش پژوهش

این پایان‌نامه به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری در قالب چهار فصل نگاشته شده است.

فصل اول: ادبیات تطبیقی

از آن‌جا که موضوع این پژوهش در حیطه‌ی ادبیات تطبیقی می‌باشد، این فصل به تعریف ادبیات تطبیقی، پیشینه و اهمیت پژوهش‌های تطبیقی، ادبیات تطبیقی در جهان عرب و ایران و ... می‌پردازد.

فصل دوم: معرفی ابوالعلاء و ناصر خسرو

در این فصل زندگی و شخصیت این دو شاعر گرانقدر و برخی از اندیشه‌های آنان به طور مختصر، ذکر می‌گردد.

فصل سوم: بررسی دین و منابع دینی در اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو

از آن‌جا که دین، بنیان اخلاق است و زیربنای بسیاری از اصول و مفاهیم اخلاقی، دین می‌باشد و با توجه به این‌که مهم‌ترین منابع شریعت اسلامی، قرآن کریم و سخنان بزرگان و پیشوایان دینی است، بنابراین در این فصل، جایگاه دین و آبخورهای دینی در اشعار آن‌ها بررسی شده است.

فصل چهارم: بازتاب مفاهیم اخلاقی در اشعار ابوالعلاء و ناصر خسرو

این فصل، نگاهی است ژرف از دریچه‌ی چشم ابوالعلاء و ناصر خسرو به مفاهیم اخلاقی که محوری‌ترین موضوع این پژوهش می‌باشد. با توجه به این‌که بسامد برخی از مفاهیم اخلاقی در اشعار آن‌ها بالا بود، سعی بر آن شد تا مهم‌ترین و پربسامدترین مفاهیم، مورد بررسی قرار گیرد.

فصل اول:

ادبیات تطبیقی

1-1 تعریف ادبیات تطبیقی

ارتباط گسترده با سایر کشورها و کنجکاو روزافزون انسان متجدد، موضوع تازه‌ای به نام ادبیات تطبیقی^۱ را وارد قلمرو ادبی کرده است. قبل از تعریف شاخه‌ی خاص ادبیات تطبیقی، بهتر است هرکدام، به‌طور جداگانه معرفی شود. در بسیاری از منابع، بیان شده «ادب عبارت است از تأثیرگذاری؛ به عبارت دیگر، هر تأثیری را که از ناحیه‌ی زبان حاصل شود، می‌توان ادب دانست.» (گویارد، ۱۳۷۴: ۱۶۷) پس بین خواننده و نویسنده پیوند برقرار می‌شود؛ نویسنده، تأثیرگذار و خواننده، تأثیرپذیر است. تطبیق یعنی سنجیدن و مقایسه کردن و «منبعی سرشار از منابع بشری است. انسان در بررسی‌های گوناگون خود، مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به میدان پژوهش خود، برگزیده است.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۰)

گسترده‌ی موضوع ادبیات تطبیقی، موجب اختلاف نام این حوزه شده است. خان‌محمدی در مقدمه‌ی ترجمه‌ی کتاب ادبیات تطبیقی گویارد، خاطر نشان کرده است که بهتر بود به جای ادبیات تطبیقی، ادبیات مقایسه‌ای گفته می‌شد؛ البته زرین‌کوب، واژه‌ی نقد تطبیقی را مناسب‌تر دانسته است. ادوارد سعید، نویسنده‌ی آمریکایی عرب نژاد، اصطلاح تطبیق فرهنگ‌ها را جایگزین ادبیات تطبیقی کرده است. کشورهای مارکسیستی، این حوزه را علم ادب اشتراکی نام نهاده‌اند. محمد روحی خالیدی آن را تاریخ علم ادب و محمد غنیمی هلال، تاریخ تطبیقی ادب نام نهاده است. آیت‌الله زاده‌ی شیرازی، واژه‌ی ادبیات تطبیقی را بهترین تعبیر دانسته است. (ر.ک: مقدسی، ۱۳۸۶: ۴۵)

در مورد ادبیات تطبیقی، تعریف‌های بسیاری ارائه شده است. سعید علوش، ادبیات تطبیقی را همانند گویارد معرفی می‌کند و آن را دانشی مربوط به روابط بین‌المللی ادبیات‌ها می‌داند؛ به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی یعنی تاریخ روابط ادبی بین‌الملل. (ر.ک: علوش، ۱۹۸۷: ۲۴)

طه ندا ادبیات تطبیقی را این‌گونه تعریف می‌کند: «بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر، بررسی چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری از یکدیگر و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر؛ هم‌چنین بررسی این‌که این ادبیات چه چیزهایی را از ادبیات سایر ملت‌ها، وام گرفته و چه چیزهایی به آن‌ها بخشیده است. بر این اساس پژوهش در ادبیات تطبیقی، بیانگر انتقال ادبیات یک ملت به ادبیات ملتی دیگر است. این انتقال می‌تواند در زمینه‌ی واژه، موضوع، قالب‌هایی که موضوع ادبی در آن ارائه می‌شود، شکل‌های هنری بیان ادبیات همچون قصیده، قطعه، رباعی، داستان و مقاله ... باشد» (ندا، ۱۳۸۰: ۱۰)؛ اما عده‌ای معتقدند که هدف ادبیات تطبیقی تنها «سنجش میان ادبیات دو ملت یا دو نویسنده یا دو کتاب نیست، بلکه بررسی روابط ادبی میان ملت‌ها، هدف آن است.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۷) محمد عبدالسلام کفافی در کتاب خود «الأدب المقارن» گفته: «ادبیات تطبیقی به

مقایسه‌ی ادبیاتی مشخص، با ادبیات سایر ملت‌ها یا برخی از آن‌ها عنایت دارد. هم‌چنین به مقایسه‌ی یک اثر ادبی در یکی از زبان‌ها با اثری مشابه در زبانی دیگر، اهتمام می‌ورزد». (همان: ۱۸) در کتاب «درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی» آمده است: «ادبیات تطبیقی، شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملت‌های گوناگون با یکدیگر و از بازتاب ادبیات یک ملت در ادبیات ملتی دیگر سخن می‌گوید». (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۸۰۸)

ادبیات تطبیقی، مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری می‌باشد که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوت هستند. این شاخه از ادبیات، پدیده‌های ادبی را در میان دو یا چند ادبیات مختلف، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (ر.ک: شول، ۱۳۸۶: ۲۵؛ حسان، ۱۹۸۳: ۱۶)

زرین کوب در مورد ادبیات تطبیقی چنین می‌گوید: «ادب تطبیقی در واقع عبارت‌است از تحقیق در مورد روابط و مناسبات بین ادبیات ملت‌ها و اقوام مختلف. پژوهنده‌ای که به تحقیق در این رشته، اشتغال دارد، مثل آن است که در سرحد قلمرو زبان قومی به کمین می‌نشیند تا تمام مبادله‌ها و تعامل‌های فکری و ادبی را زیر نظر بگیرد». (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵)

بنابراین می‌توان گفت که ادبیات تطبیقی به عنوان یکی از رشته‌های بین رشته‌ای است که میان علوم انسانی و سایر شاخه‌های دانش بشری، ارتباط برقرار می‌سازد.

۱-۲ پیشینه‌ی پژوهش‌های تطبیقی

هر چند اولین بار، عبارت «ادبیات تطبیقی» در سال ۱۸۱۶ م. به کار گرفته شد؛ اما باطن موضوع به زمان‌های کهن برمی‌گردد. برخی از پژوهشگران بر این باورند که تاریخ ادبیات تطبیقی از یونان باستان شروع شده؛ اما عده‌ای دیگر معتقدند که قبل از یونانی‌ها، بابلی‌ها به تطبیق ادبیات سومری و بابلی پرداختند. (ر.ک: دیما، ۱۹۸۷: ۲۷؛ سلوم، ۱۹۸۴: ۱۷؛ حمیدی، ۱۳۸۶: ۱۳) مبحث ادبیات تطبیقی «در اواسط قرن نوزدهم در فرانسه پدید آمد و نخستین کسی که اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد، سنت بوو^۱، منتقد و شاعر فرانسوی، بود. از آن پس، اندک‌اندک ادبیات تطبیقی جایی برای خود باز کرد». (ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۶۶) زرین کوب معتقد است «نخستین بار ویلمن^۲ در سخنرانی‌های خود به سال ۱۸۲۸ م. اصطلاح ادبیات تطبیقی را به کار برد؛ البته پژوهشگران برآنند که آن ادبیات تطبیقی که ویلمن و معاصرانش از آن سخن می‌گفتند شیوه و روش علمی مشخص و معینی نداشت و در واقع فقط نوعی مقایسه بین شاعران مملکت‌های مختلف بود». (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۱۸۱)

1- sainte Beuve

2- villemain

پس از مدتی، ژان ژاک آمپر^۱ راه ویلمن را ادامه داد و به سنجش آثار ادبی گوناگون از جمله ادبیات شرق و غرب پرداخت. (ر.ک: حدیدی، ۱۳۷۳: ۲) در همین زمان بود که ترجمه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، سبب توجه فرانسویان به کشورهای مشرق زمین از جمله ایران شد و در نتیجه پژوهش‌های تطبیقی به مطبوعات کشیده شد. «در سال ۱۸۷۷م. مجارستان مجله‌ی ادبیات تطبیقی را تأسیس کرد و در سال ۱۸۸۶ میلادی، ام. اچ پوسنت^۲ کتابی به نام ادبیات تطبیقی نوشت. سال بعد، ماکس کوش^۳ مجله‌ی ادبیات تطبیقی را بنیان نهاد». (مقدسی، ۱۳۸۶: ۳)

جنبش رمانتیسم تأثیر بسیاری در پژوهش‌های ادبی و ادبیات تطبیقی داشت و راه را برای مکتب‌های ادبی پس از خود هموار ساخت. از نظر غنیمی هلال «تأثیر این مکتب در پیدایش ادبیات تطبیقی به موارد زیر محدود می‌شود:

الف) استفاده از آثار ادبی دیگر اقوام و ملت‌ها

ب) بررسی ادبیات ملت‌ها در زبان‌های اصلی آن‌ها

ج) گشودن افق‌های تازه در برابر ادبیات قومی برای تحقیق و اثر پذیری

د) توجیه نقد ادبی بر اساس علمی که از نتایج آن، پیدایش نقد جدید و ادبیات تطبیقی است.

ه) بررسی عناصر تشکیل دهنده‌ی آموزش و فرهنگ نویسنده «برحسب نظریه‌ی سنت بوو»

در کتاب تاریخ طبیعی شیوه‌های فکری». (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۸۳)

«کنگره‌ی اسلو در سال ۱۹۲۱م. و کنگره‌ی اکسفورد در سال ۱۹۵۴م. موجب شد جامعه‌ی بین‌المللی ادبیات تطبیقی در سال ۱۹۵۵م. شکل بگیرد که این امر مدیون زحمات‌های شارل دیدیان^۴ است». (گویارد، ۱۳۷۴: ۴)

مفهوم بینامتنی به کاوش‌های ادبی جدیدی در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی انجامید؛ هم‌چنین ادبیات ترجمه، باعث شکوفایی ادبیات تطبیقی شد؛ چرا که ترجمه، راهی عادی جهت آشنایی با ادبیات بیگانه می‌باشد.

۱-۳ ابزار پژوهش در ادبیات تطبیقی

پژوهشگر ادبیات تطبیقی برای حرکت در این مسیر به ابزارهایی نیاز دارد که از مهم‌ترین آن ابزار، زبان می‌باشد. زبان، وسیله‌ای بسیار تأثیرگذار در روابط ادبی می‌باشد. شرط نخست در ادبیات تطبیقی آن است که پژوهش‌های تطبیقی میان آثاری انجام شود که به زبان‌های گوناگون نوشته شده

1-j. Ampere

2-M.H. Posent

3-M. koush

4- Scharl Didian

باشند، در غیر این صورت در چارچوب پژوهش‌های تطبیقی قرار نمی‌گیرند. غنیمی هلال، معیار سنجش اثر ادبی و رابطه‌ی آن با آثار دیگر ملت‌ها را در زبان آن‌ها می‌داند. (ر.ک: ندا، ۱۳۸۰:۱۳؛ غنیمی هلال، ۱۳۷۳:۳۳)

حوادث تاریخی از دیگر ابزار پژوهش‌های تطبیقی می‌باشد. پژوهشگر ادبیات تطبیقی، باید آگاهی کافی نسبت به رویدادهای تاریخی داشته باشد؛ چرا که با دانستن تاریخ، می‌توان از شرح حال بسیاری از ملت‌ها و آداب و رسوم آن‌ها آگاه شد و به مقایسه‌ی آثار ادبی آن ملت‌ها با ملت‌های دیگر پرداخت. «تاریخ از آن جهت در پژوهش‌های تطبیقی، نقش بسزایی دارد که می‌تواند ارتباط یا عدم ارتباط بین ادیبان را ثابت کند و منظور از این رابطه‌ی تاریخی، وجود رابطه‌ی شخصی بین ادیبان نیست، بلکه منظور انتقال و یا تأثیر اندیشه‌ای از یک محیط به محیط دیگر است.» (ندا، ۱۳۸۰:۱۴)

سفر و سفرنامه‌ها نیز در پژوهش‌های تطبیقی مفید فایده می‌باشند؛ زیرا باعث آشنایی با اوضاع ملت‌ها و پی بردن به آداب و رسوم و ادبیات ملت‌ها و خلق و خوی مردم و ... می‌شوند. سفرنامه‌ها دستاورد ادبی کسانی می‌باشند که به گزارش و نگارش سفر خود پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند از رهگذر سفر، حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود را به مخاطب ارائه دهند. در این زمینه نباید از جهانگردان، چشم پوشید؛ چرا که آن‌ها می‌توانند به گنجینه‌های ادبی ناشناخته و ادیبان معروفی که گمنام هستند، دست یابند و پژوهش‌های خود را با وجود آن‌ها کامل سازند.

ترجمه نیز در آشنایی با فرهنگ و ادبیات دیگر ملت‌ها، نقش مهمی بر عهده دارد. ترجمه، فاصله‌ی بین ملت‌ها، نژادها، زبان و فرهنگ‌ها را پُر می‌کند. «ادبیات تطبیقی با ترجمه، ارتباطی تنگاتنگ دارد. به عقیده‌ی گوته، ترجمه باعث فرو ریختن دیوار بین‌الملل می‌شود و مهم‌ترین عامل برای نزدیک کردن منتقد به ادبیات جهان می‌باشد.» (مقدادی، ۱۳۸۱:۱۳۲) شناخت ادبیات بیگانه، بیشتر از راه ترجمه به دست می‌آید. به وسیله‌ی ترجمه، با ادبیات ملت‌های دیگر و آثار ادبی آن‌ها آشنا می‌شویم. بنابراین پژوهشگر ادبیات تطبیقی باید به بحث ترجمه، توجه نماید.

اگر از ترجمه و یا از سفر به عنوان ابزار ادبیات تطبیقی، سخن به میان آوریم، لازم است از آفرینشگران آن‌ها نیز، یاد کنیم. نیروی انسانی اعم از نویسنده، مترجم، سفرنامه‌نویس و ... هر یک به نوبه‌ی خود، رسالت مهمی را در گستره‌ی ادبیات تطبیقی به دوش می‌کشند.

۱-۴ اهمیت پژوهش‌های تطبیقی

به وسیله‌ی ادبیات تطبیقی، تفاوت‌ها و اختلاف‌های موجود در زبانی دیگر را می‌شناسیم؛ یعنی ادبیات تطبیقی قدرت درک واژگان و مفهوم کلمه‌ها در زبان دیگر را، به انسان می‌بخشد و باعث باروری و غنای ادبیات ملی می‌شود. استفاده از ادبیات بیگانه، باعث افزایش توان هنری و ادبی ادبیات ملی می‌شود.

«بررسی ادبیات تطبیقی در دو زمینه ملی و جهانی سودمند است. در زمینه ملی، سبب آشنایی با ادبیات بیگانگان می‌شود و همراه شدن با آن، مایه‌ی کاهش تعصب بی‌مورد نسبت به زبان و ادبیات ملی می‌گردد». (ندا، ۱۳۸۰: ۱۵) «در زمینه ملی، اطلاع بر دیگر ادبیات‌ها و در نتیجه اندیشه‌ها و باورهای اقوام باعث می‌شود که از شدت تعصب‌های ملی و میهنی کاسته شود؛ هم‌چنین سبب می‌شود که ادبیات ملی هر کشور و ملت، از انزوا خارج و با آنچه در جهان پیرامونش می‌گذرد آشنا شود و معلوم می‌کند چه چیز از این امور، اصل و متعلق به خود ملت و جامعه است و چه چیز وارداتی است، به‌ویژه در مورد واژگان هر زبان که نشان می‌دهد چه تحول و تکاملی پیدا کرده و شیوه‌ی انتقال، چگونه بوده و در شرایط فعلی تا چه حد، مفید است». (گویارد، ۱۳۷۴: ۱۷۲)

پژوهش در زمینه ادبیات تطبیقی، ما را با آداب و رسوم، اندیشه‌ها و ادبیات دیگر ملت‌ها آشنا می‌سازد و در صورت تفاهم و نزدیکی فرهنگ‌ها، باعث ایجاد وحدت بزرگ ادبی و در نهایت، محقق شدن نظریه‌ی ادبیات جهانی می‌شود؛ یعنی ادبیات از مرزهای زبان اصلی فراتر رود و به عبارتی، جهان‌شمول گردد و به حوزه‌ی ادبیات و زبان‌های دیگر وارد شود و این همان چیزی است که گوته قبل از پیدا شدن ادبیات تطبیقی، آن را پیشنهاد می‌کرد.

پژوهشگران ادبیات تطبیقی بر اهمیت این شاخه از ادبیات، همواره تأکید ورزیده‌اند؛ زیرا آن‌را جوهر و اساس تاریخ ادبیات و نقد می‌دانند و معتقدند که پژوهش‌های تطبیقی باعث پویایی فرهنگ‌ها و شعله‌ور شدن روحیه‌ی تفاهم بین ملت‌ها می‌شود. (ر.ک:الراجحی، ۲۰۰۷: ۱۷) ادبیات تطبیقی غرور و بدبینی ملت‌ها نسبت به یکدیگر را می‌زداید و به تعادل بین فرهنگ‌ها کمک می‌کند؛ ادبیاتی که رسیدن به وحدت نسبی عالم انسانی بدون تحقق آن ممکن نخواهد بود؛ هم‌چنین باعث بازشناسی ویژگی‌های ملی دو یا چند کشور مختلف و آشنایی با شخصیت‌های ادبی آن‌ها می‌شود و به گسترش پژوهش‌های مربوط به تاریخ ادبیات کمک می‌کند.

«با رشد و گسترش ادبیات تطبیقی، ضرورت بازخوانی متن‌های گذشته‌ی ادبی، بیشتر احساس می‌شود و با توجه به گستردگی معنای امروزی ادبیات تطبیقی، این بازخوانی، محدود به متون ادبی نمی‌شود، بلکه باید متون فرهنگی و دینی را نیز متناسب با فهم جهانی بیاراییم». (مقدسی، ۱۳۸۶: ۱۱)

پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به ادیبان ملی‌گرا این فرصت را می‌دهد که از انواع ادبی و اندیشه‌های جدید آگاه شوند و نیز آن‌ها را به نقاط ضعف و کاستی و نشانه‌های موفقیت و شکوفایی ادبیات خویش در بین ادبیات دیگر کشورها رهنمون می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی نه تنها حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی ما را سیراب می‌کند، بلکه ما را نسبت به ارزش آن‌چه داریم، بهتر آگاه می‌سازد و باعث می‌شود که جزر و مدهای روح آدمیان را در سرزمین‌ها و دوره‌های مختلف در کنار یکدیگر مورد سنجش و مقایسه قرار دهیم. (ر.ک: علوش، ۱۹۸۷: ۴۵؛ ندوشن، ۱۳۷۰: ۷)

ارزش پژوهش‌های تطبیقی مانند ارزش پژوهش‌های سیاسی و تاریخی می‌باشد. در پژوهش‌های تاریخی و سیاسی، رابطه‌های خارجی، عوامل تأثیرگذار، طرح‌های دولتی، حوادث و رویدادهای خارج از مرزها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ادبیات تطبیقی نیز چنین رسالتی را به‌دوش می‌کشد. تحقیق در ادبیات تطبیقی، به کشف روابط و پیوندهای فرهنگی و ادبی ملت‌ها کمک می‌کند؛ بنابراین در برقراری صلح و آشتی بین ملت‌ها تأثیر بسزایی دارد. (ر.ک: ندا، ۱۳۸۰: ۱۱۰) «ارزش و اهمیت ادبیات تطبیقی، افزون بر تأثیر عمده در کشف جنبه‌های اصالت ادبیات ملی، جنبه‌ی مهم‌تری دارد و آن ژرف‌نگری و کشف طبیعت نوجویی و گرایش‌های آن در ادبیات میهنی و جهانی است، از طرفی دیگر، ادبیات تطبیقی از پایه‌های نقد جدید ادبی به‌شمار می‌آید». (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۲۳)

به‌وسیله‌ی پژوهش‌های تطبیقی می‌توانیم فرهنگ، ادب و باورهای خود را بهتر بشناسیم. بنابراین ادبیات تطبیقی، شناخت خود در آینه‌ی دیگری است و به تعبیر علیرضا انوشیروانی «ادبیات تطبیقی پایان انزوای علوم انسانی است». (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۷) در حقیقت، ادبیات تطبیقی پنجره‌ای به دنیای یکرنگی‌ها می‌گشاید که علی‌رغم فاصله‌ی زمانی و مکانی، اندیشه‌های مشترک در زمینه‌های فرهنگ و ادب، شعر و عرفان و ... را آشکار می‌سازد. رسالت بشری ادبیات تطبیقی، تلاش برای برقراری صلح و آزادی فردی و اجتماعی ملت‌ها می‌باشد. (ر.ک: طحان، ۱۹۸۳: ۱۲؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۷)

۱-۵ ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی

تطبیق و مقایسه در ادبیات عربی، سابقه‌ای دیرینه دارد. قدیمی‌ترین مقایسه در ادبیات عربی، موازنه میان «إمرئ‌القیس و علقمه‌الفضل» می‌باشد که هر دو از شاعران جاهلی بودند. در عصر عباسی، ابوالقاسم حسن‌بن بشر بن یحیی‌الآمدی، کتابی به نام «الموازنة بین الطائین» تألیف کرد و در آن به مقایسه ابوتمام و بحتری، دو شاعر عصر عباسی، پرداخت. پس از او علی‌بن‌عبدالعزیز جرجانی، کتابی با عنوان «بین‌المتنبی و خصومه» نگاشت که متنبی را با ابوتمام و دیگر شاعران عصر عباسی مقایسه کرد. همچنین جاحظ در دو کتاب خود «الحيوان» و «البيان و التبیین» به بررسی رابطه‌ی ادبیات عربی با ادبیات سایر ملت‌ها از جمله ادبیات فارسی، هندی، یونانی و ... پرداخت. (ر.ک: مکی، ۱۹۹۲: ۱۵-۸) هیچ یک از این کتاب‌ها، باعث پیدایش ادبیات تطبیقی نشد؛ شاید علت این باشد که هدف این کتاب‌ها، بررسی رابطه‌ی تاریخی آن‌ها در خارج از مرزهای ادبیات ملی نبوده است، بلکه تنها برتری دادن یک شاعر بر شاعر دیگر بوده است. البته جاحظ به مقایسه‌ی ادبیات در خارج از مرزهای ادبی و ملی اقدام کرد؛ اما عمل وی در پیدایش ادبیات تطبیقی، مؤثر واقع نشد.